

## مطالعه تطبیقی نظریه نفوذ در پوشش شخصیت حقوقی شرکتهای تجاری بر فرض تقلب شریک یا شرکاء در نظامهای حقوقی انگلستان، قطر، ایران

غفور خوئینی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۶/۱۳

میلاذ مشایخ<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۹/۱۶

### چکیده

امروزه به واسطه گستردگی روابط اجتماعی، اشخاصی حقوقی تحت عنوان شرکت‌های تجاری در کشورهای مختلف به وجود آمده‌اند تا بتوان به واسطه تمسک بدان‌ها و با در نظر گرفتن شخصیتی مستقل از به وجود آوردگان خود با استفاده از فعالیت‌هایی که انجام خواهند داد به برخی از نیازهای متعدد و متغیر موجود در جوامع، پاسخی نسبتاً در خور و شایسته دهند. در این میان ممکن است قالب مستقل حقوقی این شرکت‌ها به علت نیت و افعال متقلبانه برخی از شرکاء به عنوان وسیله‌ای مطلوب جهت کسب سود نامشروع و تضرر افراد مرتبط با هسته اصلی این اشخاص حقوقی مورد استفاده قرار گیرد، نظریه نفوذ درصدد است موضعی مناسب در برابر چنین تقلباتی اتخاذ نموده و پاسخی راهگشا و شایسته با حفظ تمامی اصول ثابت و متغیر اشخاص حقوقی به این گونه اقدامات دهد، در این میان بررسی موردی نظام‌های حقوقی ایران، انگلستان و قطر به دلیل برخورداری از تفکرات متعدد در قانونگذاری و تفاوت جوامع متبوعشان درخور مطالعه و تتبع می‌باشند.

**واژه‌های کلیدی:** اشخاصی حقوقی، شرکت‌های تجاری، تقلب، نظریه نفوذ.

### مقدمه

نسبت به اشخاص حقوقی تقسیم‌بندی‌های متعددی صورت گرفته است. یکی از اشخاص حقوقی مرتبط با حقوق خصوصی شرکت‌های تجاری هستند (صفار، ۱۳۹۰، ۱۶۰). این شرکت‌ها بعد از تشکیل و طی طریق قانونی، شخصیتی مستقل از اعضاء خود را به دست می‌آورند حال ممکن است شرکاء و به وجود آوردگان‌شان با محوریت مطامع خود به اقداماتی دست زنند که در نتیجه آن اقدامات هم موجبات تضرر اشخاص ثالث که دارای رابطه حقوقی با شرکت هستند را فراهم آورند و هم به اعتبار شخص حقوقی متبوع خود خدشه وارد کنند در واقع نظریه نفوذ درصدد است تا از بروز و ظهور عینی چنین مقاصدی جلوگیری نماید و بتواند در برابر هرگونه از اقدامات مبتنی بر سوء نیت شرکاء شرکت در این مسیر ممانعت به عمل آورد. انتخاب موضوع مزبور توسط نگارندگان به علت دغدغه‌هایی است که از نظر علمی در این خصوص وجود داشته و ذهن دانش پژوهان متعدد این عرصه از حقوق را به خود مشغول نموده است. نویسندگان سؤال

۱- استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران [gkhoeini@khu.ac.ir](mailto:gkhoeini@khu.ac.ir)

۲- نویسنده مسئول و دانشجوی دکتری فقه و حقوق خصوصی دانشگاه خوارزمی تهران [milad.mashayekh@gmail.com](mailto:milad.mashayekh@gmail.com)

اصلی خود را حول محور، امکان یا عدم امکان تمسک به نظریه نفوذ در پوشش شخصیت حقوقی مستقل شرکت تجاری در معرض تقلب شریک یا شرکاء در سه نظام حقوقی مختلف، ایران، انگلستان و قطر طرح نموده‌اند؟ و بدواً به سؤال مزبور پاسخ مثبت البته با لحاظ تمامی جوانب مورد بحث می‌دهند، نگارندگان در این مرقوم علاوه بر استناد به قوانین منصوص و موجود در سه کشور فوق به بررسی برخی از دکترین مرتبط با موضوع بحث به دلیل آسان نمودن روند اثبات این قاعده مفید در نظام‌های حقوقی اشاره شده پرداخته‌اند. مطالب این نوشتار از بررسی و تبیین مفهومی نظریه نفوذ آغاز شده و به واسطه بررسی این نظریه در کشورهای انگلستان، قطر و ایران ادامه یافته و نهایتاً با تقریر نتیجه بحث خاتمه می‌یابد. ان شاء الله... مطالب ارائه شده مورد قبول بوده و صرفاً تحصیل حاصل نباشد.

#### ۱- بررسی مفهوم نظریه نفوذ در پوشش شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری:

۱-۱ ایده شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری، اگر چه در بعضی از کشورها در آغاز با شک و تردیدهایی همراه بود و بیش از چند قرن طول کشید تا درک این ایده برای مردم و حتی آشنایان به حقوق صورت پذیرد، اما امروزه می‌توان ادعا نمود که ایده مزبور مورد پذیرش و تأیید همه سیستم‌های حقوقی موجود باشد و بدون شک «شرکت‌های تجاری» را یکی از مصادیق مهم اشخاص حقوقی وابسته به حقوق خصوصی می‌دانند، در واقع شرکت تجاری به همان شخص حقوقی اطلاق می‌شود که از توافقات شرکاء به وجود می‌آید (صفر، ۱۳۹۰، ۱۸۵).

برخی مفاهیم در عالم حقوق بیشتر ارزش نظری دارند و یافتن زمینه‌های کاربردی برای آن‌ها به آسانی امکان‌پذیر نیست، در مقابل برخی دیگر از مفاهیم و آثار کاربردی مستقیم دارند، شخصیت حقوقی به ویژه شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری متضمن مفاهیم و آثار نظری- کاربردی است، زیرا همانطور که اشاره شد، شخصیت حقوقی به عنوان نهادی با ویژگی‌ها و آثار مخصوص به خود و متمایز از اشخاص تشکیل‌دهنده آن، دیرزمانی است که توجه حقوقدانان و نویسندگان حقوق تجارت را جلب نموده است (پاسبان، ۱۳۸۷، ۹).

در نظام حقوقی انگلستان نیز به محض ثبت شرکت براساس مقررات قانونی، شرکت شخصیت حقوقی مستقل از اعضاء خود می‌یابد. (Bagrial، ۱۹۹۲، ۲۶)، قانون‌گذار قطری نیز در ماده ۸ قانون شرکت‌های تجاری تلویحاً اشاره نموده که شرکت بعد از سرمایه‌گذاری مشترک و گذشت یک ماه در صورت رعایت احکام این قانون شخصیت حقوقی خود را بدست می‌آورد، محکمه تمیز دادگستری قطر نیز در جلسه ۶ خود در سال ۲۰۰۶ ماده ۲۴۰ قانون تجارت قطر را معرف شخصیت حقوقی مستقل شرکت‌های تجاری در آن کشور می‌داند.

وجود شخصیت حقوقی مستقل از شرکاء در شرکت‌های تجاری آثار و نتایج متعددی را به همراه دارد از جمله آن، ۱- شخصیت حقوقی روابط شرکاء با یکدیگر و شرکا با اشخاص ثالث را بسیار ساده می‌کند. زیرا تمام شرکاء و یا اشخاص ثالث با شخصیت واحدی به نام شرکت تجاری در ارتباط‌اند و سردرگمی روابط پیچیده در شرکت‌های مدنی را فاقد می‌باشد. ۲- شخصیت فرضی شرکت تجاری این امکان را فراهم می‌کند که شرکاء دائماً به صورت قهری یا ارادی تغییر

کنند، اما شخصیت فرضی شرکت باقی بماند. به همین دلیل امروزه شاهد شرکت‌هایی هستیم که عمر آن‌ها خیلی بیش از عمر اشخاص حقیقی است، عمر طولانی شرکت‌های تجاری تأثیرات مثبتی در اقتصاد جامعه دارد. ۳- شخصیت حقوقی شرکت این امکان را فراهم می‌کند که دارایی شخصی شرکاء از دارایی شخصیت فرضی در عقد شرکت جدا شود، این فرایند موجب امنیت برای سرمایه‌گذاران می‌گردد. ۴- با ایجاد شخصیت حقوقی، موضوع تنظیم روابط میان شرکاء جای خود را به موضوع ایجاد ساز و کاری مناسب برای عملکرد شخص حقوقی می‌دهد (کاویانی، ۱۳۸۶، ۱۵). اما گاهی این استقلال ممکن است دستاویز اقداماتی صرفاً مضر قرار گیرد بر همین اساس نظریه مورد بحث شکل گرفته و شرایط خاصی را با در نظر داشتن تمامی زوایای موجود ترسیم نموده است.

۱-۲ براساس نظریه نفوذ، محاکم قاعده استقلال شخصیت حقوقی شرکت را نادیده گرفته و توجه خود را به اشخاصی معطوف می‌کنند، که در واقع منتفعان اصلی شرکت هستند، چرا که نظریه مذکور به معنی در نظر گرفتن شخص حقوقی «شرکت‌های تجاری» و اشخاص ثالث اعم از اعضا و شرکاء، به صورت توأمان یا اشخاص فوق به تنهایی بدون مشمول نمودن شرکت تجاری، نسبت به اقدامات و تعهدات در قالب شرکت می‌باشد، این نظریه علی‌الظاهر بر خلاف قاعده استقلال شخصیت حقوقی و قاعده مسئولیت متناسب با میزان آورده و در حدود سرمایه خواهد بود، اما با دقت و تمرکز بیشتر می‌توان پی برد که، نظریه مزبور بر قاعده انصاف مبتنی گشته است. (شهبازی نیا و سایرین، ۱۳۹۰، ۱۲) زیرا قاعده مستقل بودن شخصیت‌های حقوقی ممکن است در راستا رسیدن به منافع بیشتر و به واسطه توسل به اقدامات متقلبانه مورد سو استفاده قرار گرفته و موجبات تضرر ثالث دارای حسن نیت را فراهم آورد. به طور کلی این نظریه برای متعادل کردن مزایا و هزینه‌های اجتماعی قاعده مسئولیت محدود ارائه شده و در واقع چنین دیدگاه‌هایی از جمله ابزارهایی هستند که برای توسل به اقداماتی جهت درونی کردن هزینه‌ها یا تحمیل هزینه‌های اجتماعی اعمال فرد به خود وی مورد استفاده قرار می‌گیرند. به نظر می‌رسد زمان تمسک به این نظریه جایی است که مشاهده می‌شود استناد به شخصیت حقوقی مستقل شرکت‌های تجاری و مسئولیت محدود اعضاء موجب بی‌عدالتی می‌گردد، در این حال است که قضات خود را در معرض این وظیفه اخلاقی و وجدانی می‌بینند که با کنار گذاشتن شخصیت حقوقی شرکت و رسیدن به حاق واقعیت، رای صادر نمایند که به انصاف و عدالت بیشتر نزدیک باشد. علی‌ایحال این تئوری را از منظر اقتصادی می‌توان به ابزاری حقوقی تعبیر نمود که برای جلوگیری از پیامدهای منفی استقلال شخصیت حقوقی از سوی محاکم ابداع شده است، به عبارت دیگر این نظریه را می‌توان تلاش تعادلی محاکم در جهت متعادل نمودن منافع و مضار مترتب بر شخصیت حقوقی مستقل شرکت‌های تجاری دانست (طوسی، ۱۳۸۸، ۲۷۷).

۱-۳ بنابر تعریفی که فوقاً بدان اشاره شد، شاخصه‌های نظریه مزبور حول محورهای ذیل می‌گردند: الف: توجه به قالب‌های مشخص شده شرکت‌های تجاری در قانون و حفظ اعتبار این نهادهای حقوقی که در روابط اجتماعی و توافقات طرفینی نقش معتناهی را ایفا می‌کنند. ب: مطرح نمودن مذمومیت بیش از پیش تقلب نسبت به قانون و سوء نیت با لحاظ مفید بودن حسن نیت در شکل‌گیری روابط مدنی و اجتماعی. ج: رد هرگونه فعالیت متقلبانه آن هم با ظاهری آراسته و قانونی به علت جلوگیری از خدشه به اعتماد اجتماعی و اطمینان در روابط تجاری. د: نفی هرگونه ضرر غیر مشروع به افراد در

جامعه با تمسک به مقررات قانونی یا در فرض خلأ قانونی توسل به اصول ثابت و متغیر حقوقی. و: بیان موضع حمایتی قانونگذار و نظام‌های حقوقی از اشخاصی که با کمال حسن نیت و با در نظر داشتن اصل صحت مبادرت به وصول توافق و معامله با شرکت‌های تجاری می‌نمایند. ی: فراهم بودن امکان استفاده تمامی نظام‌های حقوقی متعدد از نظریه مزبور به جهت نسبیّت و تغیر مفهومی موجود در آن.

اینک پس تبیین مفهوم این نظریه، به چگونگی استناد بدان در نظام‌های حقوقی ایران، انگلستان و قطر می‌پردازیم و به جهت احترام به دیدگاه کشورهای میهمان، ابتدائاً دیدگاه کشورهای انگلستان و قطر را در این زمینه بررسی خواهیم نمود.

## ۲- بررسی نظریه نفوذ در نظام‌های حقوق انگلستان، قطر، ایران

### ۲-۱ بررسی نظریه نفوذ در حقوق شرکت‌های تجاری انگلستان

نظریه مزبور با تعریفی که از آن ارائه شد در قانون شرکت‌های تجاری انگلیس مصوب سال ۲۰۰۶ به عنوان یکی از موضوعات اصلی و مبانی قانون‌گذاری آن کشور مطرح شد. ماده ۹۹۳ قانون فوق‌الذکر به این موضوع اشاره نموده است، این ماده مقرر می‌دارد، الف) هر تجارتی که با این نیت انجام شود تا تقلبی علیه طلبکاران شرکت یا علیه طلبکاران هر شخص دیگری صورت پذیرد، فردی که چنین سوء نیتی دارد مرتکب یک تخلف شده است. ب) این وضعیت اعم از اینکه شرکت در حال فعالیت باشد یا در فرایند تصفیه به سر برد اعمال می‌شود. ج) هر فردی که مشمول وضعیت و تعریف فوق گردد و مرتکب تخلفی یا جرمی در این بخش شود به شرح ذیل مسئولیت دارد. د) جریمه می‌شود و یا به زندانی که بیشتر از ۱۰ سال نباشد محکوم می‌گردد و یا اینکه به هر دو این مجازات‌ها محکوم می‌گردد و ...

اعمال این نظریه در تقنینات انگلستان پیشینه عمیقی دارد، در ماده ۳۳۲ قانون شرکت‌های تجاری مصوب ۱۹۴۸ قانون گذار مقرر می‌دارد: (اجرای فعالیت‌های تجاری از سوی شرکت با هدف، فریب و گمراهی جرم است ... در صورتی که شرکت در جریان تصفیه باشد، دادگاه می‌تواند به تشخیص خود قاعده مسئولیت محدود را کنار گذاشته، به مسئولیت مدنی اشخاص خاطی نسبت به تمام یا بخشی از دیون شرکت حکم دهد). همچنین حکم مشابهی را نیز در ماده ۴۵۸ ق.ش.ت. مصوب ۱۹۸۵ نسبت به این موضوع موجود است که تصریح می‌نماید: (هرتجارت و کسب و کار از سوی شرکت به همراه قصد متقلبانه «قصد فریب» از سوی طلبکاران شرکت، یا هر فرد دیگری و یا برای هر مقصود و منظور جعلی باشد: مسئول به حبس یا جریمه نقدی یا هر دو محکوم می‌شود). البته وضع چنین حکمی مختص به قوانین مربوط به شرکت‌های تجاری در ادوار مختلف قانون‌گذاری انگلستان نبود چرا که چنین مضمونی در ماده ۲۱۳ قانون ورشکستگی مصوب ۱۹۸۶ نیز به کار رفته، ماده مزبور این گونه تقریر شده است که: (الف: اگر در مراحل تصفیه شرکت معلوم شود که شرکت با قصد فریب طلبکاران خود «شرکت» یا طلبکاران هر شخص دیگری یا با هر نوع از اهداف متقلبانه ای فعالیت می‌کرده ب: دادگاه می‌تواند به درخواست مدیر تصفیه هر فردی راکه آگاهانه مأمور «مسئول» اجرای معاملات مذکور بوده، به هر نحو که مناسب بداند نسبت به دارایی‌های شرکت مسئول بداند). حال پس از بررسی مواد قانونی مزبور به نظر می‌رسد به جهت

وابستگی حقوقی کامن لو خاصه نظام حقوقی انگلستان با آرا قضائی اشاره به پرونده ای مرتبط با موضوع بحث بی فایده نباشد:

«یکی از پرونده‌های مرتبط با موضوع مورد بحث در حقوق انگلستان، دعوا شرکت گیل فورد موتور به طرفیت آقای هورن است، در این دعوا، آقای «هورن» که مدیر عامل سابق شرکت خواهان بوده در زمان مدیریتش، به موجب شرط ضمن عقد قرارداد استخدامی، متعهد بوده پس از پایان دوره فعالیتش در شرکت خواهان، از هرگونه فعالیت رقابتی در زمینه محصولات این شرکت خودداری نماید، وی پس از قطع رابطه استخدامی‌اش با شرکت مذکور، برخلاف شرط معهود عمل کرده و پس از ارسال اخطاریه‌هایی قانونی از سوی شرکت خواهان، از طریق تشکیل شرکت (خواننده دوم پرونده) از انجام تعهد قراردادی طفره می‌رود، در این شرکت همسر آقای هورن و یک کارمند شرکت تنها سهامداران و مدیران شرکت بوده‌اند، در واقع شرکت به عنوان ابزاری برای عملی ساختن، هدف‌های غیرقانونی آقای هورن تشکیل شده و از این طریق اقدام به جذب مشتریان شرکت خواهان می‌کرده است. قاضی پرونده با وجود اعتقاد به نقض قرارداد از سوی آقای «هورن» از صدور حکم به اجرای مفاد قرارداد علیه خوانندگان (آقای هورن و شرکت تأسیس شده) خودداری ورزید، اما دادگاه استیناف ضمن پذیرش تجدیدنظر با کنار گذاشتن پوشش شخصیت حقوقی شرکت، به اجرای قرارداد علیه خوانندگان حکم نمود و استدلال قاضی دادگاه استیناف چنین است، «در واقع شرکت از طریق آقای «هورن» تشکیل و اداره می‌شود خانم هورن با رغم سمت مدیریتش در شرکت عملاً در فعالیت و اداره شرکت دخالتی ندارد و مدیر دیگر شرکت به نام آقای «هووارد» یکی از کارمندان شرکت است و حسب شهادت یکی از شهود در تمامی معاملاتی که شرکت داشته مدیریت و اداره کننده اصلی شرکت، آقای «هورن» بوده است، بدین‌سان تردیدی وجود ندارد که شرکت خواننده وسیله‌ای است که از طریق آن آقای «هورن» تجارت را انجام داده است هر چند شرکت شخصیت حقوقی مستقل دارد، نگرانی آقای «هورن» از نقض قرارداد منعقد با شرکت خواهان، یکی از دلایل اصلی تشکیل شرکت بوده است. (Sealy, 2008, 69)»

در پایان با در نظر داشتن مطالب پیش گفته به نظر می‌رسد برای استناد به استثنای تقلب نسبت به استقلال شخصیت حقوقی در انگلستان به اجماع شرایط نیازمندیم تا از مواد قانونی و رویه‌ها قضائی مرتبط استفاده نماییم، این شرایط از قرار ذیل‌اند: ۱- قصد متقلبانه، برای آنکه عمل متقلبانه محسوب شود، باید داعی انجام آن فرار از قید قانون باشد، کافی نیست فرار از قانون یکی از اغراضی باشد بلکه لازم است این انگیزه منحصراً موجب و محرک انجام عمل گرفته و چنین قصدی انگیزه اصلی باشد (Sealy, 2008, 69). ۲- وجود تکلیف قانونی، تکلیف قانونی در واقع دارای معنای وسیعی بوده و تمام الزامات قانونی و ارادی را در بر می‌گیرد، این واژه بر تمامی مصوبات مراجع صالح شمول داشته و صرفاً مصوبات مجالس قانون گذاری را در بر نمی‌گیرد. در واقع در این فرض شرکای شرکت باید قصد استفاده از شرکت برای انکار حقوق قانونی از قبل موجود خواهان را داشته باشند (payne, 1997, 286). ۳- مؤثر بودن وسیله به کار رفته برای تقلب نسبت به قانون، به طور کلی شرط اساسی و اصلی به کار رفته برای تقلب نسبت به قانون، مؤثر بودن آن است بدین معنی که به شکلی کاملاً ظاهراً صلاح شخص را از قید قانون برهاند (Bagrial, 1992, 26).

## ۲-۲ بررسی نظریه نفوذ در حقوق شرکت‌های تجاری قطر

پیش از پرداختن به جایگاه نظریه نفوذ در حقوق کشور قطر خاصه حقوق شرکت‌های تجاری این کشور، باید بدین امر اذعان نمود که با لحاظ عدم دسترسی به کتب و مقالات حقوقی نگاشته شده توسط اساتید این عرصه از حقوق در کشور مزبور و عدم وجود فایل‌های PDF و یا WORD چنین مرقوماتی در تارنماهای اینترنتی، تقریراتی که در ادامه خواهند آمد صرفاً برگرفته از نص صریح قوانین این کشور و حتی الامکان، در مواردی نیز با مذاقه در متن قوانین مزبور دست یازیدن به دکترونی ست که قوانین مورد بررسی از آن‌ها اصطیاد گشته است، لهذا متن مختصر زیر برخلاف مقالاتی که در ایران نگارش می‌یابند بدون استناد به کتب حقوقی مرتبط با نظریه نفوذ در کشور قطر تدوین شده است. همانطور که ابتدائاً بدان اشاره شد، قانون‌گذار قطری در ماده ۲۴ و ماده ۸ قانون شرکت‌های تجاری خود اشاره به شخصیت حقوقی و مستقل شرکت‌های تجاری البتہ ضمن قالب‌های مشخص شده در ماده ۴ نموده است چرا که در بخش نخست ماده ۵ این قانون شرکتی را که به مانند یکی از اشکال ۸ گانه معرفی شده نباشد را باطل اعلام نموده است. در این قانون اشاره‌ای به نظریه نفوذ نشده به نظر می‌رسد این نظریه برای قانون‌گذار مزبور دست‌یافتنی نبوده است ولی از آنجایی که فایده نظریه مورد بحث قابل توجه می‌باشد و از جهت مذمومیت تقلب و سوء استفاده‌های علی‌الظاهر قانونی می‌توان به موادی از قوانین شرکت‌های تجاری و مدنی این کشور در جهت تثبیت مبحث مورد ارزیابی تمسک جست. مثلاً، در ماده ۲۴۳ ق.ش.ت، ق، برای مدیر تکلیف به آگاه نمودن اعضا و شرکاء شرکت در تصمیمات را نموده و اگر مدیر در این خصوص سوء استفاده نماید جواز عزل مدیر و الزام او به جبران ضرر را در نظر گرفته است. یا در ماده ۳۲۴ ق.ش.ت.ق قانون‌گذار برای برخی از تقلبات مانند، اقرار دروغ مؤسسين شرکت با مسئولیت محدود نسبت به توزیع غیرواقعی سرمایه بین شرکاء یا پرداخت غیرواقعی آن‌ها مجازات به حبسی که بیشتر از دو سال نباشد و غرامتی تا کمتر از ۱۰ هزار ریال و بیشتر از ۱۰۰ هزار ریال نباشد یا به یکی از آن‌ها محکوم نموده است. یا چنین احکامی را در مواد ۳۲۰ و ۳۲۶ این قانون نیز می‌توان مشاهده نمود. قانون‌گذار قطری در ماده ۶۳ قانون مدنی این کشور حالت‌هایی که استعمال حق را غیرمشروع می‌کند را معین نموده و در بند ۴ این ماده در صورتی که اعمال حق موجب ضرر فاحش به غیر شود را ناپسند شمرده و مردود می‌داند. یا در ماده ۱۳۴ این قانون به شخصی که از تدلیس متضرر شده اختیار خواستن ابطال عقد را اعطاء نموده است، آن هم در صورتی که رضایت او به واسطه حيله ایجاد شده یا به جهت مغرور نمودن او و ... به وجود آمده باشد، همچنین در قانون مدنی قطر دکترین حسن نیت نیز جایگاه مشخصی دارد. یعنی حسن نیت در این کشور از جمله مبانی برخی از قوانین موضوعه می‌باشد. از باب نمونه، قانون‌گذار در ماده ۹۴۵ ق.م.ق. برای حائز حسن نیت را لازم دانسته و در ماده ۹۴۶ این قانون به مذمومیت سوء نیت اشاره دارد. هدف از ذکر این مواد از قانون شرکت‌های تجاری و قانون مدنی قطر تشریح مواضع مقنن این کشور بوده تا بتوان جایگاه نسبتاً معینی را برای نظریه نفوذ در قانون‌گذاری این کشور تبیین نمود، فلذا ما از جهت بحث صرفاً تئوری می‌توانیم ضمن توسل به اصول مذکوره موقعیت تعریف شده‌ای را برای نظریه نفوذ بیان نماییم. البتہ برای اثبات قطعی همراه با قوت استدلالی قوی‌تر نیاز به بررسی میدانی وضعیت شرکت‌های تجاری و اعمال آن‌ها در کشور قطر خواهیم داشت، که این مهم جزء از طریق مطالعه‌ای مبسوط و حضوری محسوس در جامعه

قطری و لمس محیط تجاری و مدنی کشور قطر بدست نمی‌آید، به هر حال این مطالعه در حدی که ارائه شده با عنایت به کمبود منابع و به عنوان اولین مرقومه در این زمینه می‌تواند در نوع خود مؤثر و مثمرتر باشد.

### ۲-۳ بررسی نظریه نفوذ در حقوق شرکت‌های تجاری ایران:

نظریه نفوذ با تعریفی که از آن ارائه شد، در قانون شرکت‌های تجاری ایران و یا قوانین مرتبط دیگر وجودی عینی و خارجی ندارد لکن به نظر می‌رسد می‌توان با تمسک به اصول کلی فقهی و حقوقی و استناد به موازین کلی به شرح زیر، به نتیجه مشخص و واحدی در این زمینه دست یافت:

#### الف) بررسی عدم مشروعیت تقلب نسبت به قانون

یکی از عوامل انحطاط اخلاقی در هر جامعه‌ای، شیوع تقلب و توسل به حيله و نیرنگ در روابط حقوقی و اجتماعی برای بی اثر کردن آثار محدودیت‌های ناشی از قوانین و مقررات است، اگر در جامعه‌ای این امکان وجود داشته باشد که افراد بتوانند با توسل حيله و تقلب و با حفظ ظواهر قانون محتوای آن را خنثی و غرض قانون‌گذار را نقض کنند، این امر، اصول حقوقی و فرهنگی جامعه را در معرض خطر قرار خواهد داد (طباطبایی، قاسمی، ۱۳۹۰، ۱۲۸). قاعده جلوگیری از تقلب در حقوق ایران مباحث گسترده‌ای را به خود اختصاص داده است، قبل از اینکه به بررسی قاعده فوق بپردازیم اشاره به این مطلب بی‌فایده نخواهد بود که، عده‌ای از حقوق‌دانان قاعده جلوگیری از تقلب را با مسئله حيله شرعی مقایسه کرده و همانطور که برخی فقها آن را جایز می‌دانند، پس تقلب نسبت به قانون را نیز در عمده موارد مشروع تلقی می‌نمایند. ولی به نظر می‌رسد قاعده جلوگیری از تقلب با مسئله حيله کاملاً منطبق نیست، زیرا الزام موجود در قوانین شرع در قالب موارد تعبدی است و دستیابی به علت و حکمت همه احکام برای عقل بشری مقدور نیست و فقط زمانی می‌توان به غرض شارع در وضع قوانین پی برد که در نصوص شرعی بیان شده باشد، حال آنکه الزام موجود در قوانین معلل به مصالح و مفاسدی است که دستیابی به آن برای عقل بشری امری مسلم و مقدور است همانطور که مرحوم مراغی فرموده‌اند: احکام شرعی تعبدی هستند و از شارع گرفته می‌شوند و بسیاری از حکمت‌های موجود در آن‌ها داشته نمی‌شوند (طباطبایی، قاسمی، ۱۳۹۰، ۱۴۶).

به جهت اینکه در این مقاله به موضوع عدم مشروعیت تقلب نسبت به قانون و شریعت اشاره نموده‌ایم، معمولاً قاعده جلوگیری از تقلب را حول محورهای نظریه حسن نیت، نظریه جهت و نظریه منع سوء استفاده از حق بحث می‌نمایند:

#### ۱) حسن نیت:

این موضوع چه در مسائل حقوقی مربوط به شرکت‌های تجاری و چه در غیرقالب شرکت‌های تجاری به عنوان اصلی پذیرفته شده است. در تعریف حسن نیت گفته‌اند، کسی که اقدام به عمل حقوقی یا مادی که منشأ اثر یا آثار حقوقی است، می‌کند، به صحت عمل خود اعتقاد دارد این اعتقاد او حسن نیت است (لنگرودی، ۱۳۸۷، ۲۱۵)، معمولاً حسن نیت در دو جهت مطرح می‌شود: ۱- تصور اشتباه، ۲- صداقت و درست‌ی. و طبق این قاعده پذیرفته شده فردی که متوسل به اعمال متقلبانه ضمن قالب شرکت‌های تجاری می‌شود در کمال سوء نیت اقدام نموده است. حسن نیت به جهت عدم دارا بودن تعریفی ثابت قابل تطابق با مفاهیم حقوقی متعدد است، به همین دلیل نیز ارتباط مفهوم حسن نیت با نظریه نفوذ قابل

تصور می‌باشد، چرا که مبتنی است بر نیازهای متعدد اجتماعی البته با در نظر داشتن حسن و قبح‌هایی که در هر جامعه با لحاظ مبانی مذهبی، فرهنگی، اجتماعی و ... ان جامعه تعریف شده است.

## ۲) نظریه جهت:

که همان مشروعیت جهت معامله در فرایند توافقی طرفینی است، در واقع همان هدف غیرمستقیمی است که معامله کننده از تشکیل عقد در سر می‌پروراند: استناد به نظریه جهت به این علت است که: نقض غیرمستقیم قوانین و استفاده از وسایل به ظاهر صحیح و قانونی برای دور زدن قوانین به همان میزان نامشروع است که مخالف مستقیم با قوانین پذیرفته نیست (طباطبایی، قاسمی، ۱۳۹۰، ۱۳۱). در واقع نظریه نفوذ در صدد ترسیم قبح شرعی، قانونی، عقلی و ... نادیده انگاشتن قانون با توسل به اعمال ظاهر الصلاح می‌باشد.

## ۳) نظریه منع سوء استفاده از حق:

هیچ حقی به گونه‌ای که پیشینیان می‌پنداشته‌اند، مطلق نیست و صاحب آن نمی‌تواند وجود حق را وسیله ضرر زدن به دیگری قرار دهد یا آن را به شیوه‌ای بکار برد که در دید عرف نابهنجار بنظر آید (کاتوزیان، ۱۳۵۲، ۲)، به هر حال محل جریان این قاعده در جایی است که در هدف اجرای حقوق اخلاقی ایجاد می‌شود، یعنی هدف اصلی صاحب حق، استفاده از آن به دلیل اضرار به غیر می‌باشد، البته ممکن است در این حالت اغراض فرعی مشروعی نیز وجود داشته باشد ولی هدف مسلط و عمده ضرر زدن به دیگرست (ره‌پیک، ۱۳۸۲، ۶۶).

سوء استفاده از حق در قرآن کریم نیز ضمن آیات متعددی مذموم و ناپسند تلقی شده است به عنوان نمونه: در آیه ۱۲ سوره مبارکه نساء خداوند می‌فرماید: «من بعد وصیه یومی بها او دین غیر مضار» در واقع به موجب این آیه شریفه وصیت به قصد ضرر بر وارث ناپسند و زشت تلقی شده و از آن منع گشته است: قانون‌گذار در اصل ۴۰ قانون اساسی نیز در این رابطه مقرر می‌دارد: «هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی دکتترین منع تقلب نسبت به قانون در قوانین موضوعه ایران نیز ضمن مواد متعددی بدان اشاره شده، این طرح بحث ضمن مواد قانونی نشان دهنده پذیرش آن می‌باشد، به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌نماییم:

قانون‌گذار در مواد ۲۱۸ ق.م، ۲۱۸ مکرر قانون مدنی و ماده ۴ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷ منع تقلب نسبت به قانون را ضمن مبحث منع معامله به قصد فرار از دین مطرح نموده است. همچنین تقلب واقف را نسبت به وقف به قصد فرار از دین مذموم شمرده و در ماده ۶۵ ق.م آن وقف را منوط به اجازه دیان نموده است: همچنین قانون‌گذار در ماده ۵۴۹ قانون تجارت به وضعیتی اشاره نموده است که در آن وضعیت تاجری را تصور کرده است که با توسل به طرق متقلبانه قصد فریب دیان و یا تأخیر در امر ورشکستگی خود را می‌نماید و به عنوان ورشکستگی به تقلب در کنار ورشکستگی به تقصیر از آن نام برده است: و در ماده ۸۹۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ کسانی را که عنوان ورشکسته به تقلب را بعد از رسیدگی قضایی یدک می‌کشند را به مجازات حبس از یک تا پنج سال محکوم نموده است. یا در ماده ۱۳۲ قانون مدنی تصرف مالک در ملک خود را که موجب تضرر همسایه گردد منع نموده است.



ذکر مواد قانونی فوق به عنوان نمونه و از برای شناساندن موضع گیری قانون گذار ایران نسبت به منع وجوه تقلب نسبت به قانون در قوانین ایران ارائه شده است و با تتبع بیشتر می توان به نمونه های دیگری نیز در قوانین دست یافت.

#### ب) بررسی قاعده لاضرر و ارتباط آن با نظریه نفوذ:

قاعده لاضرر از مشهورترین قواعد فقهی موجود می باشد که نه تنها در ابعاد معاملات بلکه در عبادات نیز کاربرد زیادی دارد، از این قاعده تحت عنوان لاضرر و لاضرار فی الاسلام بحث شده است: معنای قاعده فوق این است که هرگونه حکم ضرری در شرع مقدس نفی شده که این مساله از باب لطف و امتنان از سوی خداوند بر بندگان خود وضع شده است (مصطفوی، ۱۳۹۰، ۲۶۱). مراد از ضرر همان ضرر عرفی و دنیوی می باشد (شیخ انصاری، بی تا، ۳۷۴)، در واقع (لا) در معنای حقیقی خود بر نفی جنس به کار می رود و بر سر هر جمله ای که بیاید دلالت دارد، که مدخول لا در عالم خارج وجود ندارد، به طور مثال: لا رجل فی الدار که (لا) در جمله مذکور امکان وجود هر مردی را در منزل نفی می کند و از این جمله شنونده در می یابد که هیچ مردی در منزل نیست. (محقق داماد، ۱۳۹۰، ج ۱، ۱۴) پس هرگونه ضرری که به واسطه وجود حکم ضرری و یا بنا بر نظر اکثر فقهای متأخر ضرر حاصله از عدم وجود حکم معین در موضوعی به بار می آید یا مستعد به بار آمدن است را می توان با تمسک به این قاعده نفی نمود، به همین دلیل اگر قالب شرکت های تجاری با دربرداشتن شخصیت حقوقی مستقل از تشکیل دهندگان خود موجبات سوء استفاده شرکاء و در آخر تضمرات ثالث را فراهم آورد می توان زمانی که در این خصوص با خلاء قانونی مواجه هستیم با استناد به قاعده لاضرر به عنوان قاعده ای مسلم و اجماعی در فقه و حقوق از بروز این تضمرات جلوگیری نماییم.

#### نتیجه گیری:

نظریه نفوذ در پوشش شخصیت حقوقی شرکت های تجاری در فرض تقلب شریک با توجه به مطالبی که در متن اصلی این مرقومه بدانها اشاره شد، رسالتی در جهت حمایت و در نهایت حفظ منافع افرادی را برای خود قائل است که در کمال حسن نیت و با توجه به ظواهر موجود در شرکت های تجاری، طرف رابطه ای حقوقی با این نهاد حقوقی بوده لکن به واسطه سوء نیت و تقلب موجود به دلیل اقدامات برخی از شرکاء متضرر شده و مغرور می گردند. نظریه نفوذ و تبعات موجود آن در حقوق انگلستان به طور صریح در ادوار متعدد قانون گذاری این کشور ضمن موادی از قوانین پذیرفته شده است به همین علت برای اثبات آن نیاز به تمسک از دکتترین حسن نیت و منع تقلب نیست به قانون و سایر موارد نداشته و اثبات آن به آسانی قابل انجام است. لکن در ایران و قطر، تتبع در قوانین مرتبط این دو کشور با محور بحث، نص مشخصی از قانون را به دست نگارندگان نداد تا بتوانند با توسل بدانها نظریه مزبور را اثبات نمایند، البته در انتها با استفاده از تنقیح مناط، وحدت ملاک، دکتترین حسن نیت، منع تقلب و... توانستیم در این دو نظام حقوقی نیز اقداماتی در جهت اثبات انجام داده یا حداقل گام های مثبتی در این زمینه برداریم: این موضوع به علت نو بودن و عدم پرداخت بدان توسط حقوقدانان می تواند فضای جدیدی را فراهم آورد و در قانون گذاری مؤثر باشند شا الله خوانندگان محترم کاستی و ضعف احتمالی مطالب را که معلول علل متعددی ست بر ما بخشیده و با دیده عنایت بنگرند.



## فهرست منابع

### قرآن کریم

- شیخ انصاری، مرتضی، المکاسب (رساله نفی ضرر)، چاپ سنگی، بی‌جا، بی‌تا
- پاسبان، محمدرضا، حقوق شرکت‌های تجاری، چاپ سوم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۷
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ بیستم، تهران، انتشارات گنج دانش ۱۳۸۷.
- ره‌پیک، سیامک، «منع سوء استفاده از حق در نظریه‌های حقوقی و مفاهیم قرآنی»، مجله مطالعات حقوق اسلامی، شماره ۶۲، ۶۳-۱۳۸۲۷۶.
- شهبازی‌نیا، مرتضی، عیسائی تفرشی، محمد، کاویانی، کوروش، فرجی، اسماعیل، «عبور از شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۴، ۹-۱۳۹۰۳۹.
- صفار، محمدجواد، شخصیت حقوقی، چاپ اول، تهران، انتشارات بهنامی ۱۳۹۰.
- طباطبایی، سید محمدصادق، قاسمی، رسول، «قاعده جلوگیری از تقلب نسبت به قانون در حقوق داخلی»، مجله حقوق اسلامی، شماره ۳۱، ۱۲۷-۱۳۹۰۱۵۶.
- طوسی، عباس، تحلیل اقتصادی حقوق شرکت‌های تجاری، رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی (دانشکده حقوق و علوم سیاسی) ۱۳۸۸.
- قانون رقم ۵، با صدرا قانون الشركات التجاریه (۲۰۰۲/۵).
- قانون رقم ۲۲، با صدرا القانون المدنی (۲۰۰۴/۲۲).
- ارا محکمه التمییز-الدائرہ المدنیه و التجاریه-رقم: (۲۰۰۶/۱۰)
- کاتوزیان، ناصر، «سوء استفاده از حق یا تقصیر در اجرای حق»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۲۱، ۱۰۳-۱۳۵۸۱۱۵.
- کاشانی، سید محمود، نظریه تقلب نسبت به قانون، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه ملی ۱۳۵۲.
- کاویانی، کوروش، شرکت‌های تجاری، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان ۱۳۸۶.
- محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه بخش مدنی، جلد اول، چاپ بیست و نهم، تهران، انتشارات علوم اسلامی ۱۳۹۰.
- مصطفوی، سید کاظم، قواعد فقه، ج ۱، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان ۱۳۹۰.

Bagrial, Ashok, Company Law, University of Dehli. ۱۹۹۱

Company act ۱۹۴۸

Company act ۱۹۸۵

Company act ۲۰۰۶

Insolvency act ۱۹۸۶

Payne. J, ((Lifting the corporate veil: A Reassessment of fraud Exception)),

Cambridge Law Journal, 56, 288-290 (1997).

Sealy, Len, Worthington Sarah, Cases and materials in company Law, Oxford university press 2008.